

هشدار موسویان در مورد اصرار بر توقف غنی‌سازی توسط ایران

به روز شده: 14:11 گرینویچ - سه شنبه 22 مه 2012 - 02 خرداد 1391

ژنرال گل خبرنگار بی‌بی‌سی، در وین با حسین موسویان، معاون سابق دبیر شورای امنیت ایران و دیپلمات ارشد سابق تیم مذاکره کننده هسته ای ایران مصاحبه کرده است. این مصاحبه به زبان انگلیسی و برای سرویس جهانی بی‌بی‌سی انجام شده است.

شما سالها عضو تیم مذاکره کننده هسته ای ایران بوده اید، در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی و اوایل ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد. چرا غربیها و ایران نتوانستند اختلافاتشان را حل کنند و بر سر برنامه اتمی ایران به توافق برسند؟

در آن زمان نتوانستیم با گروه ۳ اروپا به توافق برسیم، چونکه آمریکا همراهی نکرد. آنان خواهان توقف کامل غنی سازی اورانیوم بودند، این برای ایران همیشه خط قرمز بوده است. غنی سازی در دوره رئیس جمهوری رفسنجانی، خاتمی و احمدی نژاد خط قرمز بوده و هست. در نتیجه مهم نیست که چه کسی رئیس جمهور است، میانه رو یا اصلاح طلب یا تندرو. اگر حتی حکومت ایران، جمهوری اسلامی یا سلطنتی باشد، برای همه ایرانیها بر اساس پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای NPT غنی سازی حق ایران است. این موضع خط قرمز بوده و خواهد ماند.

افراد مذاکره کننده از طرف ایران چندین بار عوض شده اند. آقایان روحانی، لاریجانی و حالا جلیلی، به نظر شما کدامیک از این دیپلماتها کار کشته تر است و می تواند با غربیها به توافق برسد؟

اولا سیاست مذاکرات هسته ای در اصل توسط رهبری تعیین می شود. اما به باور من در زمان روحانی شانس بیشتر بود. ما در آن زمان برای اجرای بندهای الحاقی و امکان دسترسی بازرسان آژانس از تاسیسات اتمی ایران به توافق رسیدیم. گرچه وظیفه قانونی ما نبود، به عنوان حسن نیت و برای جلب اعتماد برای مدتی برنامه هسته ای را متوقف کردیم. ما به طرف مقابل گفتیم که اگر حق قانونی ایران برای غنی سازی را به رسمیت بشناسید، دستان برای شفافیت و همکاری با آژانس باز است. ما می توانیم در زمینه های دیگر از جمله تروریسم، انرژی، امنیت و مبارزه با گسترش سلاح هسته ای با شما همکاری کنیم.

اما فکر می کنم غربیها و آمریکا از برنامه هسته ای ایران به عنوان ابزاری برای فشار و اعمال تحریمهای بیشتر استفاده می کنند. زیرا هدف نهایی آنها تغییر رژیم ایران است.

تحریمهای زیادی در چند سال گذشته علیه ایران اعمال شده است. این تحریمها صادرات نفت و سیستم مالی ایران را هدف قرار داده. آیا این محدودیتها می تواند ایران را وادار به عقب نشینی از برنامه هسته ای خود کند؟

تحریمها مردم عادی ایران را مجازات می کند. اگر می پرسید آیا این تحریمها ایران را وادار خواهد کرد تا از حق قانونی خود بر اساس NPT برای غنی سازی گذشت کند و از برنامه هسته ای خود دست بردارد و به خواسته غرب گردن نهد، نه. تحریمها هیچ وقت موفق نخواهند بود.

اما تحریمها مشکلات زیادی را برای مردم عادی بوجود آورده است، پیشرفت ایران را محدود کرده، خیلی ها می پرسند ایران کشور ثروتمندی با منابع عظیم نفت و گاز است. چه نیازی به انرژی هسته ای دارد؟ چرا دست از غنی سازی بر نمی دارد و به جامعه بین المللی بر نمی گردد؟

کسانی که این سئوالات را مطرح می کنند، همانهایی هستند که قبل از انقلاب می خواستند ایران کشوری هسته ای شود. اما حالا می پرسند چرا ایران نیروگاه هسته ای داشته باشد. فراموش کرده اند که آنها بودند که در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به ایران پیشنهاد دادند که تا سال ۲۰۰۰، می تواند ۲۳ نیروگاه هسته ای بسازند.

اما سلاح هسته ای امروز نتوانسته کمکی به کشورهای دارنده آن بکند. ببینید چطور القاعده به آنان حمله می کند. سلاح هسته ای به آنها کمکی کرده؟

برای ما مسئله امنیت نیست. برای ایرانیان هیچ راهی به جز خودکفایی و اتمام این پروژه ها نبوده. فراموش نکنید که ما هشت سال جنگ تحمیلی داشتیم. در شرایطی که ما در جامعه بین المللی منزوی شده بودیم، ایرانیان توانستند از سرزمین و کشورشان دفاع کنند.

اما حقیقت این است که دو کشور مسلمان با هم جنگیدند. من از سفیر سابق بریتانیا در عراق پرسیدم چرا غرب برای اتمام جنگ ایران و عراق تلاش نکرد، او گفت دو شیر خاورمیانه، که دشمن غرب هم بودند، همدیگر را لت و پار کردند، این به نفع غرب بود، آیا فکر نمی کنید که برنامه هسته ای مثل جنگ برای ایران مضر باشد؟

ببینید ما فتوای رهبری را در این زمینه داریم که سندی جدی و معتبر است. این فتوا هرگونه تولید و استفاده از سلاح هسته ای و کشتار جمعی را منع کرده است.

چه کسی این فتوا را اعلام کرده است؟ سندی هم هست؟

اولا رهبر علنی و رسماً در نماز جمعه این فتوا را صادر کرد. دوماً سال ۲۰۱۰ در کنفرانس منع گسترش سلاح هسته‌ای تهران که با پیام رهبری افتتاح شد، او تأکید کرد که استفاده از سلاح هسته‌ای حرام است. سفیر ایران در سازمان ملل متحد نیز این فتوا را به عنوان سندی به این سازمان ارائه کرد.

چه ضمانتی وجود دارد که فردا رهبر یا آیت الله یا مرجع تقلید دیگری فتوای دیگری صادر نکند و بگوید که تولید سلاح هسته‌ای برای امنیت ملی و حفظ اسلام ضرورت دارد؟

من نمی‌دانم. زیرا من رهبری مذهبی نیستم. ما مقلدیم. اما با توجه به شواهد سالهای دهه ۸۰ هنگامی که صدام از سلاح شیمیایی علیه ایران استفاده کرد، نظامیان از امام خمینی خواستند که پاسخ در خور به عراق بدهند. امام خمینی اجازه مقابله به مثل نداد. طبق چنین فتوایی سالها است استفاده از سلاح کشتار جمعی حرام است.

اما آقای موسویان، بسیاری از کسانی که با آیت الله خمینی بودند، امروز از منتقدین آیت الله خامنه‌ای هستند. شما چگونه این دو فرد را با هم مقایسه می‌کنید؟

نه، نه... این موضوعی کاملاً متفاوت است. اگر اسرائیل یا آمریکا، یا هر دو به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله کنند، من مطمئنم ایران از پیمان منع گسترش سلاح اتمی خارج خواهد شد.

شما می‌گویید وقتی صحبت از انرژی هسته‌ای پیش می‌آید، مسئولان ایرانی چه میانه‌رو و اصلاح طلب، چه تندرو همگی یک موضع متحد دارند. ولی بسیاری رهبر ایران و آقای احمدی نژاد را متهم می‌کنند که از برنامه هسته‌ای برای کسب منفعت سیاسی در داخل کشور استفاده می‌کنند. شما فکر نمی‌کنید این یک مسئله سیاسی باشد تا غرور ملی؟

اگر شما در طول ۶ تا ۷ ماه گذشته مناظره کاندیداهای جمهوریخواه را دنبال کرده باشید، آنان از سیاستهای اوباما در برابر برنامه هسته‌ای ایران انتقاد می‌کنند. بخش عظیمی از سیاستهای داخلی آمریکا به مسئله اتمی ایران می‌پردازد.

در ایران چه؟

خوب در ایران نیز این یک مسئله سیاسی است. طیف‌های مختلف سیاسی می‌خواهند ثابت کنند که آنها تنها مدافع واقعی حقوق ایرانیان هستند و دیگران در اشتباهند.

شما یکی از دیپلماتهای ارشد مذاکره‌کننده بودید، اما ناگهان به جاسوسی و انتقال اطلاعات به کشورهای غربی متهم شدید، آیا شما واقعا این کار را کردید؟

اولاً این یک موضوع داخلی است. من فکر می‌کنم یک اتهام سیاسی است. من توسط سه قاضی از اتهامات تبرئه شدم. اما تصمیم گرفته‌ام که سکوت اختیار کنم.

به نظر نمی‌رسد هدف قرار دادن شما نشانی از اتحاد در حکومت ایران باشد، اتهام جاسوسی می‌توانست به اعدام شما منجر شود؟

هدف قرار دادن من دلیلی بر اختلاف مسئولان بر حق قانونی ایران برای غنی‌سازی نیست.

ولی گفته می‌شود شما اطلاعات سری را لو داده‌اید؟

شاید این اتهامات به خاطر سیاستهای هسته‌ای ما بود، شاید با تیم مذاکره‌کننده قبلی که برای اعتماد سازی با اروپائیان همکاری می‌کرد، موافق نبودند. شاید موافقت ما با اجرای بندهای الحاقی و تعلیق غنی‌سازی از دید آنان اشتباه بوده است.

شما می‌گویید سه قاضی شما را از اتهام جاسوسی تبرئه کردند، که همین‌طور هم هست، ولی وزیر وقت اطلاعات و آقای احمدی نژاد می‌گویند مدارکی در دست دارند که ثابت می‌کند شما اطلاعات به غربیها داده‌اید؟

نه... من یادم هست که محسنی‌اژه‌ای گفت به تصمیم دستگاه قضایی احترام می‌گذارد.

رئیس جمهور چه؟

رئیس جمهور شاید دیدگاهش را عوض نکرده باشد، برای من واقعا هم مهم نیست که او چگونه فکر می‌کند.

آیا حاضرید به ایران برگردید؟

می‌توانم برگردم. زیرا هیچ مانع قانونی برای بازگشتم وجود ندارد.

پس چرا بر نمی‌گردید؟

زیرا بر اساس حکم آوریل ۲۰۰۸، گرچه حکم قطعی مرا از جاسوسی تبرئه کرده، اما به مدت پنج سال از فعالیت‌های دیپلماتیک محروم کرده است. یعنی از آوریل ۲۰۰۸ تا

آوریل ۲۰۱۳. خوب من در ایران بمانم چکار کنم، ترجیح دادم که به کارهای دانشگاهیم برسم و تحصیلاتم را در مقطع فوق دکترا ادامه بدهم.

فکر نمی کنید اقامت در آمریکا، بهانه ای به مخالفین شما بدهد که بگویند موسویان در آمریکا است و با غربیها ارتباط دارد؟

نه، مسئله این نیست. من قبل از اینکه وارد حکومت جمهوری اسلامی بشوم در آمریکا تحصیل می کردم. خیلی از مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی فارغ التحصیل آمریکا یا بریتانیا هستند. امروز نیز بسیاری از بستگان مقامات ایران، منظوم مقامات بسیار بالا است، پسران و دخترانشان در آمریکا، کانادا یا بریتانیا تحصیل می کنند.

مخالفین حکومت ایران می گویند که فرهنگ حذف در ساختار قدرت ایران وجود دارد. شما هم می دانید از همان ابتدای انقلاب بسیاری از چپ ها و گروههای انقلابی از صحنه کنار گذاشته شدند. اصلاح طلبان هم از زمانی که دیدگاهشان با رهبری فرق کرد، کنار گذاشته شدند. خود شما هم متهم به جاسوسی شدید و حذفان کردند. خوب غربیها شاید بگویند چه ضمانتی وجود دارد که تیم جلیلی به سرنویشت شما دچار نشود؟

ایرانیان هم می توانند این سوال را بپرسند که زمانی که ما با دولت شیراک مذاکره کردیم سیاستش با سارکوزی متفاوت بود. ایرانیان نیز می توانند به گروه ۱+۵ بگویند هنگامی که دولتهایشان تغییر می کند، سیاستهای تیم مذاکره کننده نیز تغییر می کند. اما درباره موضع حذف در داخل ایران، باید به یادتان بیاورم هنگامی که در اوایل دولت خاتمی قتل های زنجیره ای صورت گرفت، دستگاه قضایی، رئیس جمهوری و حتی رهبری رسماً و علناً گفت که گروههای خودسر داخل نظام وجود دارد. وجود گروه های خودسر چیزی نیست که دولت از آن آگاه نباشد. رهبری حتی در آن زمان گروههای خودسر و عاملان قتلها را آلت دست صهیونیستها خواند.

ولی کسی که به اتهام این قتلها معرفی شد به طور مشکوکی در زندان مرد، مخالفان می گویند این تلاشی برای متوقف کردن این پرونده بود، چون دستور قتلها از طرف مقامات بالا آمده بود؟

بگذار به عنوان کسی که ۳۰ سال در حکومت خدمت کرده، صادقانه به شما بگویم، من هیچ گونه مدرکی ندیده ام که نشان دهد رهبران مذهبی یا رئیس جمهوری دستور این قتلها را صادر کرده یا کسی را تشویق به این قتلها کرده باشند.

اگر یادتان باشد، زمانی که خود شما سفیر ایران در آلمان بودید، زنجیره ای از قتلها در داخل و خارج جریان داشت. زمان سفارت شما در آلمان، قتل مخالفان در میکونوس اتفاق افتاد. حتی سفارت ایران متهم شد که به ضاربان برای اجرای ترورها کمک کرده است. آیا وقعا ایران، سفارت و کارمندانش یا شما در این ترورها نقشی داشتید؟

ببینید معمولاً دستگاه های اطلاعاتی نمی خواهند نمایندگی های سیاسی را در این ماجرا ها درگیر کنند. من در آن زمان نماینده وزارت اطلاعات ایران را به آلمان دعوت کردم تا با نمایندگان دستگاه اطلاعات آلمان دیدار کنند. من در این ملاقاتها شرکت نکردم.

یعنی می گویند که شما از این موضوع اطلاعی نداشتید؟

قطعاً، من بی خبر بودم. برای یافتن حقیقت خیلی تلاش کردم. هیچ مدرکی دال بر دست داشتن من در این ترورها یا اتهامی علیه من توسط دستگاه قضایی یا دستگاه اطلاعاتی آلمان ارائه نشد. اگر شما حکم دادگاه آلمان علیه متهمان قتلها را بخوانید، نشان می دهد تمام حکمها بر اساس شهادت شخصی به نام شاهد C صادر شده است. دستگاه اطلاعات آلمان مدعی است که شاهد C شخصی در دستگاه اطلاعات ایران بوده که مدارکی دال بر دخالت ایران به آلمانیها داده. من هیچگاه نفهمیدم این شاهد کی بود. تمام احکام جلب برای مسئولان ایرانی بر اساس شهادت شاهد C بود.

ولی آقای موسویان، به باور شما چه منطقی ممکن است پشت این ادعای آلمانیها علیه مسئولان ایرانی وجود داشته باشد، این اتهامات در زمانی مطرح شد که مخالفین جمهوری اسلامی در پاریس، وین و جاهای دیگر ترور می شدند؟ چرا بخواهند ایران را بدون هیچ مدرکی متهم کنند؟

نه... اجازه بده، دیدگاه من چیز دیگری است. من می گویم در دوران من به عنوان سفیر در آلمان، تلاش زیادی کردم بدانم چه کسی پشت این ترورها بود، من مدعی نیستم که اتهامات دستگاه اطلاعات آلمان درست یا غلط بود. من می گویم ما نتوانستیم مدرکی دال بر دست داشتن ایران پیدا کنیم.

در گزارش اخیر آژانس بین المللی انرژی اتمی، این نهاد نگران احتمال جنبه نظامی برنامه هسته ای ایران است. این نگرانی ناشی از چیست؟

ادعای احتمال استفاده نظامی ایران از برنامه هسته ای در گزارش نوامبر ۲۰۱۱ آمانو چیز جدیدی نیست. همه کارشناسان بین المللی می دانند این چیز تازه ای نیست. این موضعی کهنه است که ایران در گذشته به آن پاسخ داده. به همین جهت در تهران به این نتیجه قطعی رسیده اند که آمانو سیاستهای آمریکا را دنبال می کند. او این قضیه را عمداً پر رنگتر جلوه می دهد تا فشارها و تحریمها بیشتری علیه ایران اعمال شود.

در چند سال گذشته، به خصوص در دو سال گذشته، بعضی از دانشمندان ایرانی ترور شدند، انفجارهای مشکوکی در تاسیسات نظامی ایران رخ داد. به نظر شما چه کسی ممکن است پشت این رشته عملیات باشد؟

این کاملاً روشن است. در سال ۲۰۰۹، جان ساور یکی از مقامات سابق تیم مذاکره کننده غرب و رئیس دستگاه جاسوسی انگلیس (MI۶) گفت که برای توقف برنامه هسته ای

ایران، غریبها بایستی عملیات پنهانی علیه تاسیسات هسته ای ایران انجام دهند. وقتی این را شنیدیم شوکه شدم. تعجب کردم چگونه یک مقام دولتی رسماً پیشنهاد عملیات پنهانی علیه کشور مستقل دیگری می دهد. پس از این، ما شاهد حمله وپروس استاکس نت، عملیات خرابکاری و مشکوک علیه تاسیسات اتمی ایران، و ترور دانشمندان اتمی بودیم. اگر شما مطبوعات آمریکا را بخوانید می بینید که آنها اعتراف می کنند که آمریکا و اسرائیل پشت این رشته عملیات بوده اند. اما گزارشهای دیگری هم گفته که آمریکا دخالتی نداشته، بلکه اسرائیل پشت این رشته عملیات بوده است.

آیا این رشته عملیات علیه ایران توانسته سرعت برنامه هسته ای ایران را کم کند؟

تحقیق کردن ملتی، کاملاً نتیجه معکوس دارد. پس از حمله وپروس استاکس نت، رشته عملیات خرابکاری، ایران تصمیم گرفت که ارتش سایبری را تشکیل دهد. و این غریبها بودند که سپاه پاسداران ایران را وادار کردند برای مقابله با عملیات خرابکارانه، ارتش سایبری تاسیس کند. اگر به یاد داشته باشید، در ابتدا ایران دارای ۳۰۰۰ سانتریفیوژ بود، علی‌رغم عملیات خرابکاری، در ظرف دو سال ایران امروز ۹۰۰۰ سانتریفیوژ دارد. علی‌رغم ترورها و خرابکاری، ایران می تواند غنی سازی از ۳.۵٪ را به ۲۰٪ برساند. علی‌رغم تمام این رشته عملیات، ایران می تواند سوخت جامد برای مرکز تحقیقات هسته ای تهران تولید کند. این نتیجه حملات بود.

گفته می شود تیم آقای احمدی نژاد و جلیلی از اصلاح طلبان خواسته اند که به آنها در مذاکرات هسته ای کمک کنند تا با غرب به توافق برسند، شما مطمئن دوازستانی در حکومت و تیم مذاکره کننده دارید، آیا این واقعیت دارد؟

من این شایعات را باور ندارم. احمدی نژاد نیازی به کمک اصلاح طلبان ندارد. در زمان احمدی نژاد بود که برای اولین بار سفیری ایرانی در عراق با سفیری آمریکایی دیدار کرد. این احمدی نژاد بود که توانست برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی به عنوان رئیس جمهور به رئیس جمهوری آمریکا نامه بنویسد. این نامه ها و ملاقاتها بدون اجازه شخص رهبر امکان پذیر نبود. مثلاً اگر رهبری موافق نبود، جلیلی نمی توانست با بیل برنز ملاقات کند. با این وصف چرا احمدی نژاد به کمک اصلاح طلبان نیاز داشته باشد؟

می خواهید بگویید که او اهل کوتاه آمدن نیست و با کسی همکاری نمی کند؟

نه... مسئله قدرت نیست، تصمیم نهایی در دست رهبری است و خواهد بود.

اگر شما به خانم اشتون مشاوره بدهید، به عنوان کسی که با شیوه فکر کردن تیم مذاکره کننده ایرانی آشناست، چه توصیه ای به او خواهید کرد تا با ایرانیان بر سر برنامه اتمی به توافق برسد؟

به خانم اشتون خواهام گفت که با حق طبیعی ایران برای غنی سازی مخالفت نکنند. شما نخواهید توانست ایران را از حق قانونیش محروم کنید. این غیر ممکن است. خط قرمزها را تغییر دهید. برای شما اگر توقف غنی سازی خط قرمز است؛ تهران هیچ وقت به آن عکس العمل مثبت نشان نخواهد داد. اما اگر خط قرمز شما تولید سلاح هسته ای است، شما شانس خوبی برای موفقیت دارید. شانس بزرگی برای حل اختلافات.

اگر شانس مشاوره به آقای جلیلی را داشتید، به او چه توصیه ای خواهی کرد؟

از گذشته تا به امروز، مشکل گروه ۱+۵ این است که موضع متحدی ندارند. آنها شجاعت قبول حق غنی سازی ایران بر اساس NPT را ندارند. آنها باید به ایرانیها بگویند اگر شما برای رفع سوء تفاهم ها و شبهات و اثبات صلح آمیز بودن برنامه اتمی خود تلاش کنید، ما هم تحریمها را لغو خواهیم کرد و پرونده اتمی ایرانی را به حالت عادی برخواهیم گرداند و به برنامه صلح آمیز هسته ای ایران به عنوان عضو NPT طبق بند ۴ کمک خواهیم کرد. در ده سال گذشته غریبها هیچگاه این پیشنهادات را به ایران ندادند. به همین جهت توصیه من به اشتون است نه جلیلی.

در چند سال گذشته، به خصوص در موارد اخیر مذاکرات معمولاً در استانبول بوده است. من خبرهای عراق را پوشش می دهم، و می دانم که بغداد جای امنی نیست. با انتخاب بغداد برای مذاکرات این دوره، ایران چه پیامی را می خواهد برساند؟

من دوباره گروه ۱+۵ را مقصر می دانم. آنها با طرز فکر ایرانیها آشنا نیستند. ایرانیان هیچ گاه تحت فشار موضع خود را عوض نمی کنند. در گذشته ایران خواهان انجام مذاکرات در استانبول بود، گروه ۱+۵ به رهبری آمریکا گفت نه. وقتی به ایران گفتند به استانبول نروند آمد و ایران بایستی به ژنو یا وین برود، ایران گفت اگر این طوری است، حالا مذاکرات بایستی در استانبول، بغداد، دمشق، یا بیروت باشد. در این دوره از مذاکرات، این بار ایران گفت یا دمشق، یا بغداد، یا بیروت، استانبول نه. به خاطر اینکه غریبها ابتدا با آن موافقت نکردند.

دلیل مخالفت ایران با استانبول برای این دوره از مذاکرات به خاطر فشارهای ترکیه به سوریه نبود؟

این واقعا دلیل اصلی نیست. قطعاً این موضوع در رابطه ایران و ترکیه تنش بوجود آورده. اما غریبها می خواستند برای ایران شروطی تعیین کنند تا به ژنو یا وین برود.

ایران امتیازی کسب کرد؟

بله، قطعاً، آمریکا و اروپاییها دستپايشان را بالا بردند و گفتند به استانبول خواهیم آمد، و این عقب نشینی گروه ۱+۵ بود. بعد ایران گفت ملاقات اول در استانبول، دور دوم مذاکرات بایستی در بغداد باشد.

غربیها می‌گویند که دیپلماتهای ایرانی خوب بلدند وقت کثی کنند، این که هدف اصلی آنان خریدن وقت بیشتر برای دستیابی به تکنولوژی تولید سلاح هسته ای است. آیا این واقعیت دارد؟

نه... اگر منظور آن است که دیپلمات های ایران خبره و کار کشته هستند، با شما موافقم. اگر می‌پرسید که آنان غربیها را بازی می‌دهند و می‌خواهند وقت تلف کنند و سلاح هسته ای تولید کنند، من موافق نیستم.

در ابتدای مذاکرات غربیها از ایران می‌خواستند که برای مدتی برنامه غنی سازی اورانیوم را متوقف کند، در این دوره از مذاکرات که قرار است در بغداد برگزار شود، آیا موضع گروه ۱+۵ تغییر کرده؟

ما شاهد موضعهای ضد و نقیضی از غربیها هستیم. روسها و چینیه‌ها واقع بین تر هستند و با حقوق ایران مخالفتی ندارند. اما میان کشورهای غربی اختلاف وجود دارد. نشانه های ضد و نقیضی از اوپاما می‌رسد. یک بار هیلاری کلینتون می‌گوید اگر ایران صداقت در اجرای تعهداتش نشان دهد، ما حق غنی سازی این کشور را به رسمیت می‌شناسیم.

روزنامه لس آنجلس تایمز از قول یک مقام آمریکایی نوشته که اگر ایران برنامه غنی سازی ۲۰٪ را متوقف کند، آمریکا با ۵٪ غنی سازی ۵٪ ایران مشکلی ندارد. این روزنامه همچنین از قول یک مقام ایرانی نوشته که ایران از این موضع آمریکا استقبال می‌کند و ایران در مورد غنی سازی ۲۰٪ و اجرای بند های الحاقی انعطاف پذیر خواهد بود. اما چند روز پیش سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا مدعی شد که این گزارشها واقعیت ندارند و گفت که آمریکا بر اجرای قطعنامه شورای امنیت که بر تعلیق کامل برنامه هسته ای ایران تاکید دارد پا فشاری می‌کند. اگر این موضع آمریکا و گروه ۱+۵ باشد، به باور من در مذاکرات بغداد هیچ توافقی حاصل نخواهد شد.

درباره ما
راهنمای دسترسی به سایت
تماس با ما

شرایط استفاده
حفظ اطلاعات شخصی

موبایل
Advertise With Us

BBC

BBC © 2013